

یک تجربهٔ عجیب



مریم فضایی
خبرنگار گروه فرهنگ

در حالی که فروش سینمای ایران به اعداد بیش از ۹ رقمی رسیده و هرچند وقت یکبار رکوردهای جدیدی از میزان فروش منتشر می‌شود، سینمای هنر و تجربه به شرایطی قرار دارد که گویی غبار مرگ بر آن نشسته است. سینمایی که روزی با شعارهایی همچون «ارتقای فرهنگ سینمایی»، «حمایت از فیلمسازان جوان» و «فضایی برای تجربه و خلاقیت» فعالیت خود را آغاز کرد، حالا به جایی رسیده که نه تنها آثار آن به ندرت مورد توجه قرار می‌گیرند، بلکه در بهترین حالت، برخی فیلم‌ها پس از چندین ماه نمایش، تنها چندصد بلیت فروخته‌اند. در فضای خیری و رسانه‌ای، به ندرت می‌توان رد و نشانی از سینمای هنر و تجربه یافت. این بی‌توجهی رسانه‌ای خود به یکی از دلایل اصلی بی‌روفتی این گروه سینمایی تبدیل شده است. فیلم‌های این گروه، پس از مدتی محدود از اکران

هنر و تجربه چگونه گرفت؟

۱۳ مهر ۱۳۹۳ بود که این گروه سینمایی با چهار سالن سینما در تهران و یک سالن در پردیس سینمایی هویزه مشهد، فعالیت خود را با عنوان مؤسسه هنر و تجربه و زیر نظر وزارت ارشاد آغاز کرد. سینمای هنر و تجربه در ایران به عنوان یک فضای جدید برای فیلم‌هایی با طعم متفاوت و نگاهی عمیق‌تر به سینما شکل گرفت. این سینما به دنبال نمایش آثاری است که در آن‌ها خلاقیت حرف اول را می‌زند؛ آثاری که از سینمای پرزرق‌وبرق و تجاری فاصله گرفته و بیشتر به جنبه‌های هنری و تجربی اهمیت می‌دهند. فیلم‌هایی که در این عرصه قرار می‌گیرند، معمولاً با موضوعات پیچیده‌تر، ساختارهای خاص و روایت‌هایی متفاوت از سینمای رایج شناخته می‌شوند. یکی از ویژگی‌های اصلی سینمای هنر و تجربه این است که نه برای سرگرمی ساده، بلکه برای به چالش کشیدن فکر و احساس تماشاگر ساخته می‌شود. فیلم‌های این سینما می‌خواهند بیشتر از آنکه شما را بخندانند یا به هیجان بیاورند، شما را به تفکر و تأمل وادار کنند. این سینما به دنبال عمیق‌تر شدن در احساسات انسانی، مسائل اجتماعی یا حتی تجربیات ذهنی است. در واقع، سینماگرانی که وارد این جریان می‌شوند، نه تنها از فرم‌های معمول سینما عبور می‌کنند، بلکه به نوعی مسیر جدیدی را برای سینما در ایران می‌سازند. در دنیای هنر و تجربه، همه چیز به جزئیات بستگی دارد. انتخاب‌های بصری، نورپردازی، رنگ‌ها و حتی نحوه روایت داستان، همه به‌طور دقیق و با دقت طراحی می‌شوند تا تجربه‌ای منحصر به فرد برای تماشاگر ایجاد کنند. این سینما به‌جای اینکه به دنبال جواب‌های ساده باشد، به دنبال باز کردن درهای جدیدی است که هر بیننده می‌تواند از زاویه‌ای متفاوت به آن‌ها نگاه کند. سینمای هنر و تجربه، در حقیقت واکنشی به نیازهای سینمای ایران است؛

تنها نبود؛ اما تنها شد

قبل از تأسیس گروه سینمایی هنر و تجربه، سینمای ایران تلاش‌هایی بسیاری ایجاد فضاهایی ویژه برای نمایش فیلم‌های هنری و تجربی داشت. این تلاش‌ها به‌ویژه در قالب گروه‌های سینمایی خاص در دولت‌های گذشته صورت گرفت. اولین گام در این راستا در اواخر دولت هشتم برداشته شد، زمانی که گروه سینمایی «آسمان باز» در سال ۱۳۸۳ تأسیس شد. این گروه به دنبال ایجاد فضایی برای نمایش فیلم‌های هنری و تجربی بود، اما به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات در جذب مخاطب، نتوانست در مقیاس وسیع موفقیتی کسب کند و پس از مدتی فعالیت آن متوقف شد. پس از آن، در اواسط دولت نهم، گروه سینمایی «مخاطب خاص» در سال ۱۳۸۶ تشکیل شد. این گروه نیز به دنبال نمایش فیلم‌هایی با مخاطبان خاص و محدود بود، اما همانند تجربه قبلی، مشکلاتی همچون عدم زیرساخت‌های مناسب برای اکران و کمبود تبلیغات کافی باعث شد نتواند در جذب مخاطب و ادامه فعالیت خود موفق باشد. در دولت دهم نیز تلاش‌ها برای تشکیل گروه مشابه دیگری با نام «مخاطب خاص» در سال ۱۳۹۰ صورت گرفت که آن نیز در نهایت با مشکلات مشابه روبه‌رو شد و نتوانست به موفقیت پایدار دست یابد.

نگاهی به کتاب «ما ایوب نبودیم»

ایوب‌های زمانه‌ات را بشناس

منصوره رضایی

نویسنده و منتقد ادبی

«ما ایوب نبودیم» عنوان جالب و توجه‌انگیز جدیدترین کتاب نشر اطراف است که طبع گفته‌ناشر با استقبال ویژه مخاطبان روبه‌رو شده و در بازه زمانی کوتاهی به چاپ دوم رسیده است. این کتاب ۱۳۰۲ روایت درباره مراقبت است. مقدمه ناشر و دبیر مجموعه نیز روایت‌هایی مستقل و جان‌دار درباره مراقبت محسوب می‌شوند. مقدمه مرشدزاده درباره مراقبت از فرزند معلول ذهنی و مادر آرزایم‌ری، شروع طرفانی این مجموعه است. در باورهای آیینی، حضرت ایوب(ع) نماد و اسطوره صبر و بردباری است؛ پیامبری که به انواع بلا و محنت دچار شد اما لب از شکر فرونیست و از بونه آزمایش سربلند بیرون آمد. وجه اشتراک روایان کتاب «ما ایوب نبودیم» با حضرت ایوب(ع) از سر گذاردن ابتلائات گوناگون است اما همان‌طور که از نام کتاب پیداست با پیامبر صبور، یک تفاوت بزرگ دارند؛ آن‌ها پیامبر نیستند و انسان‌هایی معمولی، شبیه همه ما هستند؛ انسان‌هایی که از مراقبت و صبوری خسته می‌شوند، شکایت می‌کنند و گاه می‌زنند زیر میز و میدان مراقبت را ترک می‌کنند. این کتاب، عنوان کلی مراقبت را بر کرده دارد

کنسار می‌روند و جای خود را به آثار دیگری می‌دهند که باز هم بدون مخاطب روی پرده می‌روند؛ انگار که نه خانی آمده و نه خانی رفته! این گزارش، شش‌اید بعد از مدت‌ها اولین گزارشی باشد که به‌طور جامع به وضعیت سینمای هنر و تجربه می‌پردازد و عملکرد آن را در ۱۰ ماه امسال بررسی می‌کند. با یک حساب کتاب کوچک سرگشتگی‌های هم می‌شود وضعیت بد سینمای هنر و تجربه را متوجه شد. اما برای درک بهتر میزان فروش و مخاطبان ۱۰ ماه هنر و تجربه را با سه ماه سینمای جریان‌مادی مقایسه کردیم. سینما در پاییز امسال، ۵۸۶ میلیارد و ۳۴۰ میلیون فروش داشته است. سینمای هنر و تجربه هم در ۱۰ ماه، تنها ۶۴۰ میلیون فروش داشته است. یعنی، هنر و تجربه ۹۱ هزار و ۶۱۶ درصد کمتر از جریان اصلی فروخته است! این نسبت عجیب‌وغریب، در میزان مخاطبان هم صدق می‌کند. در سه ماه پاییز ۱۰ میلیون و ۵۹۶ هزار بلیت فروخته شده، در صورتی که در ۳۰۰ روز، تنها ۱۳ هزار و ۶۲۸ نفر برای فیلم‌های هنر و تجربه بلیت خریدند. وقتی نسبت می‌گیریم، به عدد ۷۷ هزار و ۷۵۲ درصد می‌رسیم!

سینمایی که به دلیل مشکلات اقتصادی و تجاری، مدت‌هاست نتوانسته به آثار هنری و مستقل پرداخته و آن‌ها را در سطح وسیعی به نمایش بگذارد. این سینما فرصت جدیدی برای نمایش فیلم‌هایی فراهم کرده که شاید در فضای معمول سینمای ایران جایی نداشته‌اند. به این ترتیب، سینمای هنر و تجربه نه تنها به تماشاگران فرصتی برای دیدن آثار خاص می‌دهد، بلکه سینمای ایران را به سمت تحول و نوآوری هدایت می‌کند.

با وجود آنکه تأسیس گروه سینمایی هنر و تجربه در ابتدا گامی مهم برای نمایش آثار سینمایی هنری و تجربی در ایران به حساب می‌آمد، اما مشکلات مدیریتی و اجرایی باعث شد تا این گروه نتواند مسیر خود را به‌درستی ادامه دهد و پس از حدود هفت سال فعالیت، در اواخر اسفند ماه ۱۴۰۰ تعطیل شود. از جمله مشکلاتی که این گروه با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کرد، می‌توان به کمبود مخاطب، نامنظم بودن برنامه‌های اکران و مشکلاتی در سالن‌های نمایش‌دهنده فیلم‌های این گروه اشاره کرد. همچنین، مخالفت‌های تند سینماگران سینمای بدنه و نبود حمایت‌های لازم در زمینه تبلیغات و معرفی آثار باعث شد تا این تجربه با شکست مواجه شود. اما با آغاز دولت سیزدهم و تصدی محمد خراعی به‌عنوان رئیس سازمان سینمایی، تلاش‌ها برای احیای گروه سینمایی هنر و تجربه آغاز شد. در این دوره، تصمیم گرفته شد که این گروه تحت نظارت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی فعالیت کند و این تغییر ساختاری در نهایت به احیای گروه هنر و تجربه در شهریور ماه ۱۴۰۱ انجامید. با این بازسازی، گروه سینمایی هنر و تجربه دوباره به فعالیت خود ادامه داد و تلاش کرد تا مشکلات گذشته را حل کند و بر مخاطبان بیشتری تأثیر بگذارد.

در نهایت، با توجه به مشکلات متعدد در اکران فیلم‌های هنری و تجربی و کمبود فضا برای نمایش آثار نوآورانه سینماگران، در سال ۱۳۹۲ گروه سینمایی هنر و تجربه به‌طور رسمی تأسیس شد. این گروه به‌منظور نمایش فیلم‌هایی با ویژگی‌های هنری و تجربی که اغلب قادر به جذب مخاطب انبوه نبوده و در سینماهای اصلی جریان اصلی جایگاهی نداشته‌اند، ایجاد شد. هدف اصلی گروه هنر و تجربه، پاسخ‌گویی به مطالبات فیلمسازان نوگرا و جوان و فراهم کردن فضایی برای نمایش آثار متفاوت از سینمای تجاری بود تا هم‌زمان به ارتقای فرهنگ سینمایی ایران کمک کند. پس از شش ماه مطالعه، تحقیق و مذاکرات با فعالان سینما، این گروه با مأموریت از سوی رئیس سازمان سینمایی فعالیت خود را از مهرماه ۱۳۹۳ آغاز کرد. در ابتدا، سینماهای معدودی در تهران و مشهد به نمایش فیلم‌های این گروه پرداختند و به‌تدریج فعالیت‌های آن به سسایر شهرها نیز گسترش یافت. از جمله شهرهایی که سینماهای گروه هنر و تجربه به نمایش آثار هنری و تجربی در آن‌ها پرداختند، می‌توان به شیراز، اصفهان، کرج و بابل اشاره کرد. این گروه با ارائه چنین فضایی توانست به یکی از مهم‌ترین ابزارها برای نمایش آثار سینمایی با مضامین پیچیده و هنری تبدیل شود.

وضعیت فعلی

در جدول پیش‌رو، فیلم‌هایی که از فروردین تا دی ماه ۱۴۰۳ در بخش هنر و تجربه به نمایش درآمده‌اند، آورده شده است. این جدول اطلاعات کاملی از فروش فیلم‌ها، تعداد بلیت‌های فروخته‌شده، تعداد سانس‌های هر فیلم و تاریخ شروع اکران آن‌ها را نشان می‌دهد. آمارها حاکی از آن است که مجموع فروش ۲۷ فیلمی که در این بازه زمانی به نمایش درآمده‌اند، تنها حدود ۶۴۰ میلیون تومان بوده است. این درحالی است که این رقم معادل فروش یک فیلم پر فروش در چند ساعت ابتدایی اکرانش در سینمای جریان اصلی است. این مقایسه، ابعاد بحران در گروه هنر و تجربه را به‌وضوح نشان می‌دهد. از نظر تعداد مخاطب نیز شرایط تفاوت چندانی ندارد. در طول این ۱۰ ماه، تنها ۱۳ هزار و ۶۲۸ بلیت به فروش رفته است. این میزان فروش، حتی کمتر از تعداد بلیت‌هایی است که یک فیلم کم‌دیی یا تجاری موفق در یک روز پر فروش می‌تواند به دست آورد.

نکته جالب توجه آن است که هرچه به سمت پایین جدول حرکت

سینمای هنر و تجربه در سال ۱۴۰۳

شماره	اسم فیلم	فروش	تعداد بلیت	سانس	شروع اکران	کارگردان
۱	حبیب مجرد	۱,۱۷۴,۹۰۰,۰۰۰	۲۵۲۹	۱۱۳	۱۴۰۳/۰۴/۰۶	محمدحسام حدادیان
۲	بسته فیلم کوتاه سیمرخ	۹۲۶۴۰۰۰۰	۲۱۱۰	۹۲	۱۴۰۳/۰۳/۱۹	سعید نجاتی
۳	شهر خاموش	۳۸۲,۶۰۰,۰۰۰	۷۲۵	۱۴۹	۱۴۰۳/۰۶/۲۸	احمد بهرامعلنی
۴	نهنگ‌ها	۳۲۰,۲۰۰,۰۰۰	۵۷۷	۹۳	۱۴۰۳/۰۷/۲۹	غلامرضا جعفری
۵	یازده یازده	۲۹۵,۶۰۰,۰۰۰	۵۵۹	۱۰۳	۱۴۰۳/۰۶/۲۱	آرش رحمانی
۶	همسایه شما، زهره	۲۹۳,۹۵۰,۰۰۰	۶۰۱	۱۲۷	۱۴۰۳/۰۲/۰۵	علی درخشنده
۷	ترس از اشک‌های واقعی	۲۸۷,۲۰۰,۰۰۰	۵۹۲	۱۲۰	۱۴۰۳/۰۸/۰۶	امیراحمد قزوینی‌بزاز
۸	سر آغاز	۲۸۲,۳۰۰,۰۰۰	۵۳۹	۷۱	۱۴۰۳/۰۶/۲۸	سعید حسینی
۹	قوی دل	۲۶۴,۷۰۰,۰۰۰	۶۲۸	۹۷	۱۴۰۳/۰۱/۲۰	علی فراهانی
۱۰	زنانی که با گرگ دویده‌اند	۲۵۵,۱۰۰,۰۰۰	۴۴۳	۸۸	۱۴۰۳/۰۲/۲۶	امیراطهر سهیلی
۱۱	در جهنم باران نمی‌بارد	۲۳۵,۹۰۰,۰۰۰	۴۶۹	۱۳۰	۱۴۰۳/۰۵/۲۴	زهره شاه‌حاتمی
۱۲	مهمانی سایه‌ها	۱۸۲,۹۰۰,۰۰۰	۴۲۹	۷۲	۱۴۰۳/۰۵/۲۹	جمشید عبدالهی سریزدی
۱۳	عصب‌کشی	۱۸۱,۱۰۰,۰۰۰	۴۴۱	۷۸	۱۴۰۳/۰۳/۲۶	امیر توده‌روستا
۱۴	سگ‌دست	۱۷۸,۲۰۰,۰۰۰	۳۱۶	۳۵	۱۴۰۳/۰۶/۲۸	تقی علی‌آبادی
۱۵	تدفین	۱۷۲,۷۰۰,۰۰۰	۴۲۷	۸۰	۱۴۰۳/۰۵/۱۰	محمد تابنده
۱۶	۷۶۰۰	۱۶۸,۰۰۰,۰۰۰	۳۷۰	۳۹	۱۴۰۳/۰۵/۰۱	بهرروز باقری‌سجزی
۱۷	آذر هفت صبح	۱۲۶,۹۰۰,۰۰۰	۲۲۹	۵۱	۱۴۰۳/۰۹/۰۵	مسعود صفاتی‌فرجام
۱۸	روز مات	۱۲۴,۲۰۰,۰۰۰	۳۱۸	۴۹	۱۴۰۳/۰۲/۱۰	محمود نوری
۱۹	به عبارتی	۱۱۷,۷۰۰,۰۰۰	۳۴۸	۵۱	۱۴۰۳/۰۳/۰۲	محمد مهدی کتیراجانی‌ناتینی
۲۰	نذر بی‌بی	۹۸,۸۵۰,۰۰۰	۲۹۱	۳۳	۱۴۰۳/۰۴/۱۶	محمد کریمی
۲۱	خانواده خلیج	۹۵,۱۰۰,۰۰۰	۱۹۶	۵۴	۱۴۰۳/۰۸/۲۹	مریم الهامیان و مصطفی حاجی‌قاسمی
۲۲	مراسم ویژه	۶۹,۱۰۰,۰۰۰	۱۳۰	۵۰	۱۴۰۳/۰۹/۱۴	میثم شاه‌بابایی
۲۳	لعبت‌باز	۶۱,۰۰۰,۰۰۰	۱۱۶	۴۱	۱۴۰۳/۰۸/۱۴	پوریا نوری
۲۴	لاله کیود	۵۶,۶۰۰,۰۰۰	۱۳۱	۴۱	۱۴۰۳/۰۵/۰۳	مهرشاد کارخانی
۲۵	سامونل چاپ‌کیان	۴۵,۴۰۰,۰۰۰	۹۶	۴۱	۱۴۰۳/۰۶/۲۸	امید نجوان
۲۶	ژویار	۶,۴۰۰,۰۰۰	۱۱	۳	۱۴۰۳/۰۸/۰۱	مریم امینی
۲۷	آکادمی کیمیایی	۴,۴۰۰,۰۰۰	۷	۴	۱۴۰۳/۰۶/۲۸	صالح دلدلم

و با نویسنده، همدلی و همدان‌پنداری می‌کند اما اگر آن اتفاق را تجربه نکرده باشد مدام با خود می‌گوید نکنند این اتفاق برای من هم بیفتد؟ سپس با دلی‌ترسان و لرزان، تجربار نویسنده را به خاطر می‌سپارد تا در صورت قرار گرفتن در موقعیت مشابه از آن‌ها بهره بگیرد. احتمالاً برخورد مخاطب با اکثر روایات این کتاب، شبیه رفتار زنده‌کنسانی است که از کنار افراد معلول رد می‌شوند و با صدای بلند، خدا را شکر می‌کنند و نگرانند که خودشان به این سرنوشت دچار نشوند. می‌دانیم که نشر اطراف ناشر تخصصی جستار است و در سال‌های اخیر تلاش زیادی برای معرفی این قالب کرده است. از جمله این تلاش‌ها مقدمه‌های دقیق و پر بار و رزوا پورآذر بر کتاب‌های ترجمه شده است که جلوه‌های دقیق و عمیقی از قالب جستار ارائه می‌دهد. با این وجود به نظر می‌رسد هنوز مسئولان این نشر نیز به تعریف جامع و منسجمی از جستار نرسیده‌اند و هنر متن غیرداستانی دارای روی اول شخص را جستار تلقی می‌کنند. برای مثال در کتاب «ما ایوب نبودیم» متن‌های «لژی» مراقبت»، «مراقب شب»، «بشت قاب دایی افراسیاب» و «زندگی پای» به هیچ عنوان در قالب جستار جای نمی‌گیرند. مسئله دیگری که در این کتاب با آن مواجهیم یک‌دستی تصنع‌گونه زبان روایت‌هاست. اگرچه

می‌کنیم، آمارها حتی نگران‌کننده‌تر می‌شوند. برخی از فیلم‌ها با وجود گذشت چندین ماه از شروع اکران، تنها چند بلیت فروخته‌اند. به‌عنوان مثال، یکی از فیلم‌ها در بازه زمانی چهار ماهه تنها ۷ بلیت فروخته است. چنین اعدادی، حتی اگر به کیفیت پایین این آثار اشاره داشته باشد، باز هم نشان‌دهنده ضعف جدی در مدیریت و برنامه‌ریزی این گروه سینمایی است. هنر و تجربه که قرار بود فضایی برای دیده شدن آثار متفاوت و دغدغه‌مند باشد، اکنون به بستری برای آمارهای ضعیف و عملکردی کم‌رعم تبدیل شده است.

این آمار و ارقام نشان می‌دهند موفقیت در سینمای ایران، حتی برای آثار هنری و خاص، تا حد زیادی به عواملی مانند تبلیغات گسترده، دسترسی مناسب به سالن‌های سینما و سرمایه‌گذاری برای جلب مخاطب وابسته است. بدون ایجاد زیرساخت‌های مناسب، حمایت مالی کافی و برنامه‌ریزی دقیق برای بازاریابی، سینمای هنر و تجربه محکوم به عملکردی حاشیه‌ای و کم‌اثر باقی خواهد ماند.

تجربه مراقبتی هر یک از ۱۵ نویسنده کتاب منحصربه‌فرد است اما بسیاری از جستارها فاقد لحن شخصی و فردیت و استقلال کلامی‌اند. گویا جستارها به‌صورت افراطی، بازنویسی شده‌اند و نوع واژگان و شیوه سخن تمام افراد یکسان است. در واقع قلم فاطمه ستوده بر سبک شخصی نویسنده‌ها سایه انداخته و همه را شبیه هم کرده است. این مورد به‌طور ویژه در روایت‌های علیرضا شهرداری و مرتضی سلطانی محسوس است.

همان‌گونه که ذکر شد از سویی قالب جستار در ایران بسیار نواست و از سویی دیگر این قالب با فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌ها پیوندی عمیق و ناگسسته دارد. به همین دلیل فضای بعضی از کتاب‌های ترجمه‌ای نشر اطراف برای مخاطب ایرانی نامأنوس است و به‌ناچار دارای بی‌نوشت‌ها و توضیحات متعددی‌اند که مانع تمرکز مخاطب روی متن اصلی اثر و موجب گسست ذهنی او می‌شوند. پرواضح است مخاطب ایرانی با جستار ایرانی ارتباط بیشتری برقرار می‌کند. شاهد این مدعا استقبال گسترده از این کتاب است، زیرا مفهوم مراقبت در فرهنگ و جامعه عاطفی ایرانی با هر جای دیگر متفاوت است. انتخاب این موضوع و پرداختن به زوایای مختلف آن، نشان‌دهنده هوش فرهنگی مسئولان نشر اطراف است.